

صلى الله عليه وسلم



دانشگاه کاشان

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه:

جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

عنوان:

فراخوانی شخصیت های ادب جاهلی در اشعار

محمود درویش و سمیح القاسم و ممدوح عدوان

استاد راهنما:

دکتر عباس اقبالی

استاد مشاور:

دکتر عبدالرسول غفاری

به وسیله:

سکینه صفاری

خرداد 1390

تشکر و قدردانی

بر خود لازم می دانم از زحمات بی دریغ و راهنمایی های ارزشمند استاد عزیز و بزرگوارم جناب آقای دکتر عباس اقبالی در راستای انجام این تحقیق تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از مشاور محترم جناب آقای دکتر عبدالرسول غفاری و تمامی استادان بزرگوار رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان کمال تشکر را دارم.

تقدیم به:

آنان که ناتوان شدند تا به توانایی برسیم ...

موهایشان سپید شد تا روسفید شویم ...

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند....

چکیده

هنر فراخوانی ادبای گذشته از جمله مسائل مهمی است که مورد توجه شاعران معاصر عربی قرار گرفته و بازتاب بسیاری در آثارشان داشته است. شاعر معاصر می خواهد از این رهگذر اهداف خود را بیان داشته و تجربه های نوین شعری اش را به تصویر بکشد. آنچه وی را به این امر و می دارد، جدای از توجه به آثار گذشتگان، علل متفاوت دیگری چون مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و ملی است. هنر فراخوانی، در غنای زبان شعری و شکوفایی و پویایی آن و نیز بیان اهداف مورد نظر شاعر به بهترین نحو جلوه گر شده، شاعر با این شیوه از حالت گزارشی و خطابه گری شعر کاسته و با به کارگیری شخصیت های مشهور ادبی گذشته جلوه های تازه ای به آن می افزاید. در این میان نام شخصیت هایی همچون «امرؤ القیس»، «طرفه بن العبد»، «عنتره»، «شنفری»، «زرقاء یمامه» «خنساء» و . . . که هر کدام به نوبه خود بیانگر نوعی از جلوه های متفاوت شعر قدیم هستند، سهم بیشتری را در مقایسه با دیگران به خود اختصاص می دهد. این تحقیق بر آن است تا ابعاد مختلف این جلوه ها را در اشعار سه شاعر معاصر عربی «محمود درویش» و «سمیح القاسم» و «ممدوح عدوان» مورد بررسی قرار دهد و علت اصلی رویکرد این شاعران را به این شیوه مشخص سازد. همچنین به این مساله بپردازد که چنین شخصیت هایی برای بیان چه تجربه ای در شعر این شاعران حضور دارند.

کلمات کلیدی: فراخوانی، نقاب، شعر معاصر، شخصیت های جاهلی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: فراخوانی در شعر معاصر عربی

2.....	مقدمه
5.....	1-1 ماهیت فراخوانی
9.....	2-1 مراحل تحول شکل گیری فراخوانی
19.....	3-1 رابطه فراخوانی با سنت
	4-1 انواع شخصیت های سنتی فراخوانی شده در شعر معاصر
23.....	1-4-1 شخصیت های تاریخی
27.....	2-4-1 شخصیت های ادبی
31.....	3-4-1 شخصیت های دینی
36.....	4-4-1 شخصیت های ملی
38.....	5-4-1 شخصیت های اسطوره ای
	5-1 عوامل رویکرد شاعران معاصر به فراخوانی شخصیت ها
41.....	1-5-1 عوامل هنری
43.....	2-5-1 عوامل فرهنگی
46.....	3-5-1 عوامل سیاسی
48.....	4-5-1 عوامل ملی

6-1 شیوه های فراخوانی شخصیت های سنتی

- 51.....1-6-1 فراخوانی شخصیت از طریق اسم
- 53.....2-6-1 فراخوانی شخصیت از طریق نقش
- 54.....3-6-1 فراخوانی شخصیت از طریق گفتار
- 60.....4-6-1 فراخوانی قیاسی و معکوس
- 63.....5-6-1 فراخوانی شخصیت به صورت جزئی
- 66.....6-6-1 شخصیت معادل بعدی از تجربه شاعر
- 67.....7-6-1 شخصیت محور قصیده
- 69.....8-6-1 شخصیت بیانگر تجربه های یک مرحله از زندگی شاعر
- 72.....7-1 رابطه فراخوانی با رمز و تقاب

فصل دوم: فراخوانی در شعر محمود درویش ، سمیح القاسم و ممدوح

عدوان

- 80.....مقدمه
- 85.....1-2 گذری بر زندگی محمود درویش
- 2-2 نماد های فراخوانی در قصاید محمود درویش
- 86.....1-2-2 قصیده سنختر سوفوکلیس
- 88.....2-2-2 قصیده اقبیه، اندلسیه، صحراء

- 89.....3-2-2 قصیده اسمیک نرجسة حول قلبی
- 90.....4-2-2 قصیده امروالقیس
- 96.....5-2-2 قصیده خلاف غیر لغوی مع امرالقیس
- 100.....6-2-2 قصیده جداریة
- 107.....7-2-2 قصیده منفی 3 کوشم ید فی معلقة الشاعرالجاهلی
- 112.....3-2-3 گذری بر زندگی سمیح القاسم
- 4-2-4 نمادهای فراخوانی در قصاید سمیح القاسم
- 113.....1-4-2 قصیده یا قیصر الروم
- 116.....2-4-2 قصیده حتی اشعار آخر
- 118.....3-4-2 قصیده انتقام الشنفری و العشاء الاخیر
- 135.....4-4-2 قصیده سیرة جلیات
- 139.....5-2-5 گذری بر زندگی ممدوح عدوان
- 6-2-6 نمادهای فراخوانی در اشعار ممدوح عدوان
- 141.....1-6-2 قصیده روی عن الخنساء
- 143.....2-6-2 قصیده طاووس
- 145.....3-6-2 مهران دموی
- 146.....4-6-2 قصیده امی تطارد قاتلها
- 149.....نتیجه گیری

152.....	خلاصة الرسالة باللغة العربية.....
157.....	فهرست منابع ومراجع.....

فصل اول: فراخوانی شخصیت های سنتی در شعر معاصر

- مقدمه
- ماهیت فراخوانی
- مراحل شکل گیری فراخوانی
- رابطه فراخوانی با سنت
- انواع شخصیت های سنتی فراخوانی شده در شعر معاصر
- عوامل رویکرد شاعران عرب به فراخوانی شخصیت های سنتی
- شیوه های فراخوانی شخصیت های سنتی
- رابطه فراخوانی با رمز و نقاب

مقدمه

فراخوانی نوعی کمک گرفتن از شاعران بزرگ گذشته و هم سخن شدن با آنان است. شاعری که به این شیوه روی می آورد، در پی آن است تا تجربه معاصر را به تصویر بکشد. این شاعر به علل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، هنری به تعامل با ادیبان پیشین می پردازد. از آنجا که شخصیت های گذشته فراخوانی شده، نمایانگر جنبه های مختلفی هستند و باید در انتخاب آنان که سرآمد جلوه های گوناگون برای پیوند با تجربه های جدید شعری است ابتکار ویژه به کار گرفت. پیشینه بازگشت به گذشته از زمان پیدایش مکتب کلاسیسم و به دست شاعران این مکتب بر می گردد و اکنون شکل تکامل یافته تری به خود گرفته است. چرا که برخی از شاعران این مکتب به ثبت کردن و بیان داشتن مسائل مورد نظر قدیم بسنده نموده و تجربه های شعری خود را از زبان شاعر قدیم بیان می کردند و طی مراحل مختلفی شخصیت های مشهور ادب گذشته را فرا می خواندند. از این رو شاعرانی بنام چون احمد شوقی، محمود سامی البارودی، حافظ ابراهیم برای تقلید از آثار گذشتگان و میراث ادبی ماندگار قدیم اهمیت ویژه ای قائل بودند و در ردیف آغاز کنندگان این رویکرد به شمار می روند.

شاعر معاصر عرب با استدعاء و فراخوانی از قلمرو میراث فراتر رفته و بر آن چیزی می افزاید. میراث از منظر "الیوت" موضوع مهم و ارزنده ای است که با زحمت زیاد به دست می آید. زحمت شناختن چهره ها و شخصیت های تأثیرگذار فرهنگ و سنت قومی و زحمت شناساندن آنها به دیگران. این کار با فهم و شناخت تاریخی عمیق و حضور گذشته در حال میسر می شود. همه اینها باعث می شود که سنت مفهومی پویا داشته باشد و دیگر امری ثابت و ایستا نباشد و آثار برتر به مرور زمان اهمیت خود را از دست ندهند.

انتخاب شیوه فراخوانی و استدعاء و به کارگیری شخصیت های مختلف در شعر به این دلیل است که شاعر می داند هر هنرمندی که پدران هنرمند خویش را نشناسد، نمی تواند آثار جاودانی ارائه دهد. هیچ شاعر و هنرمندی به تنهایی معنا ندارد. شاعران معاصر قصد دارند تا گذشته را در شکلی تازه و نو ارائه دهند. گذشته ای که به آینده بشارت می دهد و این خلاقیتشان را مدیون انس و الفت بسیار با شعر کهن و شخصیت های ادب آن می دانند. آنها می خواهند از سنت خود بهره برند تا فقط انتقال دهنده افکار و دیدگاههای گذشتگان نباشند، بلکه نوعی تغییر و جوشش و انقلاب را باعث شوند. این شاعران بر این باورند که صرف بیان تجربه فردی نیست که انسان شاعر می شود بلکه در کنار آن باید مجموعه ای از تجربه های مشترک و به ارث رسیده نیز، بیان شود. از این رو شیوه بیانی خاصی برای عرضه تجربیات احساسات و عواطف خود برگزیده می شود و آن، فراخوانی شخصیت هاست.

در این رساله پس از تبیین مقوله فراخوانی و استدعاء در اشعار شاعران معاصر، انواع مصادیق آن در اشعار این شاعران معلوم گشته و به تحلیل آنها پرداخته شده است و مطالب فراهم آمده و نتایج تحلیل ها در دو فصل تنظیم شده است :

درفصل اول به تعاریف، واژگان و اصطلاحات مرتبط با موضوع از جمله: بینامتنی و علل رویکرد شاعران معاصر به این شیوه، اشکال و شیوه های فراخوانی شخصیت ها در شعر معاصر و رابطه نقاب با این تکنیک پرداخته می شود. در فصل دوم با نگاهی گذرا به زندگی محمود درویش ، سمیح القاسم و ممدوح عدوان مصادیق مختلف فراخوانی شخصیت های ادب جاهلی در شعر این سه شاعر مورد بررسی قرار می گیرد.

طرح مسأله:

فراخوانی و استدعاء شخصیت ها در شعر معاصر یکی از شیوه های برقراری ارتباط با میراث است که شاعران معاصر عرب در نیمه اول قرن بیستم به آن روی آوردند. رویکرد شاعر معاصر به این شیوه برخاسته از پرداختن به مصیبت های اجتماعی جامعه پیرامون او می باشد. شاعر به سبب اختناق حاکم بر جامعه که صراحت لهجه و آزادی بیان را از مردم سلب می کند، در سخنان خود با بهره گیری از زبان شعر، از رمزهای تاریخی بهره می برد. او با فراخوانی چهره های سنتی به بیان غیر مستقیم واقعیت های جامعه معاصرش می پردازد. با توجه به آنچه گفته شد، محقق در پی این است تا با ارائه تعریفی مستند از فراخوانی و استدعاء، به عنوان پیش درآمد مباحث این پایان نامه، سپس آوردن نمونه هایی از مصادیق آن در اشعار محمود درویش و سمیح القاسم و ممدوح عدوان معلوم سازد، این شاعران با به کارگیری این شیوه چه اهدافی را دنبال کرده اند و تاثیر کارکرد این شیوه در شعر معاصر چیست؟

پیشینه تحقیق :

نمی توان گفت فراخوانی و استدعاء موضوعی است که تاکنون کسی به آن نپرداخته است، بلکه تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته و کتاب هایی به جهان ادب ارائه شده است که مستقیم و به عنوان یک موضوع اصلی به آن پرداخته اند از جمله :

«استدعاء الشخصیات فی الشعر العربی المعاصر» اثر علی عسری زاید

«اشکال التناص» اثر احمد مجاهد

«توظیف فی الشعر الحدیث» اثر عبد الناصر هلال

«استلهام فی شعر المعاصر» اثر عبد الحمید الحسام

«توظیف التراث شعر سمیح القاسم» اثر لؤلؤ حسن عبدالله

این تحقیق بر آن است تا حضور فعال استدعاء و فراخوانی شخصیت ها را در شعر معاصر عرب، بیان کند. و به این مسأله بپردازد: علت اصلی فراخوانی چهره های ادب جاهلی در شعر محمود درویش ، سمیح القاسم و ممدوح عدوان چه بوده، و چنین شخصیت هایی برای بیان چه تجربه ای در شعر این شاعران حضور دارند.

فرضیه ها و سوال های ویژه:

1. آیا استدعاء و فراخوانی یک پدیده جدید است ؟
2. شاعران معاصر عربی مبدع استدعاء و فراخوانی شخصیت ها در اشعار خود بوده اند.
3. رابطه فراخوانی شخصیت ها با نقاب چیست ؟
4. مهمترین شخصیت های ادب جاهلی که در اشعار شاعران معاصر از جمله محمود درویش و سمیح القاسم و ممدوح عدوان فراخوانی شده اند ، چه کسانی هستند ؟

5. آیا چهره های ادب جاهلی که در شعر محمود درویش ، سمیح القاسم و ممدوح عدوان فراخوانی شده اند با اصل خود متفاوت هستند؟
6. محمود درویش ، سمیح القاسم و ممدوح عدوان با فراخوانی و استدعاء سنت گرائی خود را اثبات کرده اند .

اهمیت و ارزش تحقیق با تاکید بر کاربرد نتایج آن :

1. اثبات پیوند ادبیات معاصر با ادبیات دوره جاهلی
2. تحلیل ابعادی از ادبیات معاصر عربی
3. آشنایی با شیوه شاعران معاصر در به کار گیری فراخوانی و استدعاء به ویژه در اشعار محمود درویش و سمیح القاسم و ممدوح عدوان
4. افزایش توانمندی در تحلیل آثار (محمود درویش ، سمیح القاسم و ممدوح عدوان) و ارائه راهکارهایی در جهت گسترش این پژوهش در آثار دیگران

1-1 ماهیت استدعاء یا فراخوانی

با توجه به موضوع بحث که در خصوص استدعاء و فراخوانی است، به گفته «ولتر» اگر می‌خواهی با من سخن گویی اول اصطلاحاتی را که به کار می‌گیری تعریف کن» (دورانت 128) ابتدا به ماهیت استدعاء و معنای لغوی و اصطلاحی آن می‌پردازیم. استدعاء در لغت از ماده «دعو یدعو دعاء» یعنی او را صدا زد، به کمک طلبید گرفته شده است (ابن منظور 260/14). همچنین در تبیین کلمه ادعوا در آیه «و ادعوا شهداءکم من دون الله ان کنتم صادقین» (بقره 23) آورده شده است: ادعوا من استدعیتهم طاعته و رجوتهم معونته (ابن منظور 252/14). یعنی او را که و در سروده های شاعران قدیم نیز در معنای دعوت کردن و یاری طلبیدن به کار رفته است.¹

ابو العلاء معری می‌گوید:

(٤٤١)

استدعاء در مجموع به معنای دعوت کردن برای حضور، به کار می‌رود. اما در خصوص معنای اصطلاحی استدعاء ناقدان معاصر عربی این اصطلاح را در موردی به کار می‌برند که شاعر به گذشته خود روی آورده و از منبع سرشار هنری و ادبی آن به شیوه های مختلف بهره برده است. آنجا بسیاری از شخصیت های سنتی توسط شاعران و ادیبان معاصر به کار گرفته شده اند تا بعدی از ابعاد تجربه هایشان را بر دوش آنها گذاشته و وسیله ای برای بیان دیدگاه های معاصر شاعر باشند (عشری زاید 13).

فراخوانی و استدعاء تراث یعنی به کارگیری سنت، به شیوه ای هنری و نمادین تا از مهمترین دغدغه شاعر یعنی اضطرابات و نگرانی های اجتماعی معاصر تعبیر کند. در حالی که این ویژگی

ها تمام اصالت سنت و میراث را در خود دارد. و این چنین عناصر سنتی رشته‌هایی اصیل از دیدگاه شعری معاصر می‌گردد (عشری زاید، توظیف التراث 202-221). خلیل الموسی نیز می‌گوید: «فراخوانی و استدعاء شخصیت‌ها تجربه‌ای است که در آن صدای حال و گذشته و صدای گذشته در حال ادغام می‌شوند تا از تجربه شعری معاصر تعبیر کنند» (الموسی 210).

از تعاریفی که درباره استدعاء ارائه شده و مقایسه آن با تعابیری مانند استلهام، توظیف و بینامتنی معلوم می‌گردد که بین آنها یک رابطه معنایی برقرار است زیرا: «استلهام» در فرهنگ‌های لغت از ماده الهم یلهم الهاماً به معنای طلب کردن است (استمد الهاماً) استلهم یستلهم إستلها ما الله خیراً: از خدا طلب خیر و صلاح و توفیق کرد (ابن منظور 4089/5)

توظیف: در لغت به معنای وظّف علیه عملاً: کاری را برای او معین کرد. وظّف یوظّف توظیفاه: برای او جیره یا غذای روزانه و امثال آن گذاشت (همان 4869/6). البته بین معنای لغوی و اصطلاحی این واژه اختلاف بسیار است، زیرا معنای اصطلاحی استلهام یعنی تعبیر و بیان تجربه شعری و احساسی شاعر از راه به کارگیری شخصیت یا حادثه یا مکانی که با بعدی از ابعاد و ویژگی‌های تجربه شاعر متناسب باشد و موجب تسریع در دستیابی به هدف خود گردد. ولی اصطلاح بینامتنی در ادب معاصر به این معناست که یک اثر ادبی متون دیگر را به شیوه اقتباس، تضمین، تلمیح، اشاره، در برداشته باشد، به گونه‌ای که این متون با متن اصلی چنان ادغام شود که متن جدیدی را به وجود بیاورد. این تعریفی است که اکثر ناقدان بر آن اتفاق نظر دارند (الزغبی 11).

رجاء عید نیز در پژوهشی که در مجله «علامات فی النقد» ارائه داده است، بینامتنی را این گونه بیان می‌کند: «منظور ما از بینامتنی این است که ما به واسطه آگاهی عمیق از نصوص و متون ادبی،

حضور تناس را درک کنیم و این تداخل و حضور متون در متون دیگر نیازمند تیز هوشی است زیر ساخت و ترکیب متونی که در متن اصلی به کار گرفته شده است به گونه ای است که گویا جزئی از خود متن است و جز خواننده ای که دارای شمّ تاریخی و فرهنگی باشد، آن را متوجه نمی شود» (صص 184-193).

ولی رابطه بینامتنی با فراخوانی شخصیت ها چیست؟ در جواب باید گفت: فراخوانی شخصیت ها یکی از انواع و اقسام بینامتنی است. چرا که نقادان بینامتنی را به چند دسته تقسیم کرده اند:

1. بینامتنی لفظی

2. بینامتنی مضمون

3. بینامتنی علم

در بینامتنی لفظی که شاعر یک یا چند بیت از یک شاعر را در اشعار خود آورده یا آن را تغییر داده و یا بدون تغییر، در اشعار خود به کار می گیرد. در بینامتنی مضمون نیز، شاعر تنها مضمون اشعار یک شاعر را در اثر خود تضمین می کند، بدون اینکه عین عبارت شعری او را بیاورد و در بینامتنی علم، شاعر نام شخصیتی را در شعر خود می آورد (میرزائی).

در هر یک از سه قسم از انواع بینامتنی، باید گفت: شاعر از شیوه فراخوانی استفاده کرده است و دلیل این گفته را این گونه بیان کرد: اگر شاعری بیتی از یک شاعر جاهلی همچون امرؤ القیس را در شعر خود به کار می برد، آیا با این کار او را در شعر خود فراخوانی نکرده است؟

در این دو قسم از انواع بینامتنی شاعر به شیوه ای غیر مستقیم و بدون اینکه به طور صریح، اسم او را در شعر خود بیاورد، این شخصیت را در شعر خود دعوت کرده است. بنابراین از خلال مفهوم

بینامتنی و انواع آن است که مشخص می شود چه ابزاری در استفاده از فراخوانی و استدعاء به کار گرفته شده است. چرا که متن ادبی جز در خلال متون ادبی دیگر به وجود نمی آید و در بینامتنی نیز مجموعه ای از فراخوانی شخصیت ها مطرح است. الزغبی نیز می گوید: «حافظه و حضور تاریخ و شخصیت های آن، همه اینها منابع پنهانی است در ذهن یا در ناخودآگاه نویسنده که در به وجود آوردن متن جدید سهیم اند(11).

با توجه به این گفته الزغبی که «فراخوانی و استدعاء شخصیت ها و حوادث سنتی نوعی بینامتنی است»(همان 129) و تقسیم بندی محمد مفتاح در کتاب خود «استراتیجیة التناص» در بخش تقسیم بندی اشکال بینامتنی، که استدعاء و فراخوانی را در ذیل بینامتنی ایجاز قرار داده است می توان فراخوانی و استدعاء را به مثابه گفتگویی بین جدید و قدیم و حال و گذشته دانست و به تعبیر جبر شعت آن را مصداقی از جریانهای موجود در سطح ابداع شعری به حساب آورد(42). حال جای این سوال است: فراخوانی یا استدعائی که از آن سخن به میان آمد، چه روندی را پشت سر گذاشته است؟

1-2 مراحل تحول و شکل‌گیری فراخوانی

پدیده فراخوانی شخصیت‌های سنتی و به کارگیری آن در اشعار شاعران معاصر عربی به گونه‌ای رواج پیدا کرده است که تاریخ ادبیات عربی در هیچ زمانی این چنین با آن روبرو نبوده است تا آنجا که یکی از مشخصه‌های بارز در این عصر به شمار می‌رود (عشری زاید 7). در آغاز عصر نهضت تلاشهایی از جانب برخی از شاعران و نویسندگان برای احیای سنت و موروث خود و رابطه با آن انجام گرفت. این رابطه پس از طی مراحل چند به شکل امروزی یعنی فراخوانی و به کارگیری شخصیت‌های سنتی درآمد. و می‌توان مراحل آن را این گونه برشمرد:

1. شاعران از ابتدای عصر نهضت این احساس را داشتند که شعر عربی قادر به اثبات وجود و ماهیت خود نیست و اصالتش را نمی‌تواند محقق سازد، مگر زمانی که با گذشته خود در ارتباط باشد. این شاعران باور داشتند که جدایی شعر از میراث گذشته در حکم نابودی آن است. چرا که شاهد ضعفی بودند که در اواخر عصر عباسی گریبان‌گیر شعر بود و تا اوایل عصر نهضت ادامه داشت (مجموعه من المتخصصین 323) و شعر در آن زمان رابطه شعر را با میراث کهن خود در عصور شکوفایی قطع شده و به نوعی مهارت لفظی و مصنوعی تبدیل شده بود.

از جمله شاعران پیشتاز در این وادی بارودی است. او علت و سبب اساسی این ضعف را کشف کرد و بر این باور بود که شعر عرب اگر با سنت و میراثش رابطه برقرار نکند، در

پرتگاهی که به نابودی اش می انجامد سقوط می کند. و در جهت تحقق این ارتباط دو شیوه در پیش گرفت:

1- از طریق انتخاب نمونه هایی از این موروث به عنوان شعر حقیقی و اصلی و تقلید این نمونه ها در اشعارش.

2- احیای اسلوبی قوی و استوار در بیان از طریق معارضه با شاعران بزرگ دوران قدرت و درخشان ادب عربی و اینکه این میراث کهن را به کار گیرد و آن را در ذهن و وجدان مردم زنده سازد.

بارودی در پی آن بود تا از این طریق صدای رسای خاموش شده شخصیت های موجود در سنت و تاریخ شعر را در گوش مردم زنده سازد. چرا که این صدا در دوره انحطاط به خاموشی گراییده بود (همان 18).

اقدام بارودی و مکتب او در اصل زنده کردن و شاداب نمودن چهره شعر عرب بود در درخشان ترین دوره ها و رها کردن آراستگی های لفظی که شاعران در دوره ترکی به آن اهتمام داشتند. به دیگر بیان حرکت بارودی و اقدام او همراهی با گذشته های دور بود. به همین خاطر بسیار در ادبیات معاصر عرب تأثیر گذار افتاد (عشری زاید 49).

اما رابطه شاعران با سنت و میراث خود بعد از بارودی چه شکل است؟ شاعرانی که بعد از بارودی آمدند، علاقه شان به سنت افزون گشت، تعامل و ارتباطشان با سنت، منحصر در میراث ادبی نشد بلکه با مصادر دیگر سنت و میراث خود از جمله میراث دینی و غیره نیز ارتباط برقرار کردند (همان 19). ولی تعامل آنها با سنت و میراثشان از تقلید و معارضه با